

# **Futures Studies the Approaches of the United States and China in the Indo-Pacific Strategic Area and Strategies for Studying the National Interests of the Islamic Republic of Iran**

**Mohsen Noruzi**

PhD of Future Studies, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

[noruzi.m92@gmail.com](mailto:noruzi.m92@gmail.com)

**Mehrdad Alepour**

Corresponding Author, Graduate of International Relations, University of Guilan, Rasht,

Iran. [mehrdadalipour1992@gmail.com](mailto:mehrdadalipour1992@gmail.com)

## **Abstract**

In the present study, while analyzing the threats posed by the actions of the United States and China in the Indo-Pacific strategic area, the future of the effects of competition on Iran's interests is analyzed using the scriptwriting method. It should be noted that the leading research based on the obtained results is of practical type and considering that during it to answer the main question of the research, namely how the future threats of Sino-US approaches in the Indo-Pacific area to Iran's interests, It deals with a variety of qualitative methods of script writing called GBN. In addition, the present study is descriptive in nature and is descriptive of the current context of the conflict and the factors that shape the current and future threats of Washington-Beijing relations. Attempts have been made to extract key factors and drivers of these relationships through interviews with experts and focus groups, and given the key uncertainties extracted from the distributed questionnaires among 25 security, scientific and diplomatic experts, four scenarios: 1) Worst: Ensuring China's energy security; 2) The best: the occurrence of economic and trade war between China and the United States; 3) Continuation of current trends: no trade and economic war between China and the United States; 4) China's inability to ensure energy security, which in accordance with the scenarios and in detail in addition to the indicators of the occurrence of scenarios, strategic recommendations, policies and strategies to manage each.

**Keywords:** *Futures Studies, Indo-Pacific, Scenario Writing, Strategic Approach, GBN*

# آینده پژوهی رویکردهای ایالات متحده و چین در حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک و راهکارهای تحصیل منافع ملی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

محسن نوروزی

دکتری آینده پژوهی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران.  
noruzi.m92@gmail.com

مهرداد عله پور

نویسنده مسئول، دانش آموخته ارشد روابط بین الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.  
mehrdadalipour1992@gmail.com

## چکیده

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا ضمن تحلیل تهدیدات ناشی از کنشگری ایالات متحده و چین در حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک، آینده تأثیرات رقابت رخ نموده بر منافع جمهوری اسلامی ایران با کمک روش سناریونویسی توصیف و تحلیل شود. این پژوهش بر مبنای نتایج به دست آمده از نوع کاربردی و با توجه به اینکه در خلال آن برای پاسخ به پرسش اصلی تحقیق، یعنی «چگونگی تأثیر آینده تهدیدات رویکردهای چین و آمریکا در حوزه ایندوپاسیفیک بر منافع ایران» به توسعه یکی از انواع روش های کیفی نگارش سناریوی موسوم به «GBN» پرداخته، از نوع توسعه ای بوده است. علاوه بر این، پژوهش پیش رو از نوع اکتشافی و با عنایت به توصیف وضعیت کنونی منازعات و عوامل شکل دهنده فضای فعلی و آینده تهدیدات روابط واشنگتن و پکن، توصیفی بوده است. همچنین از طریق مصاحبه با خبرگان و گروه های کانونی، عوامل کلیدی و پیشران های مؤثر بر روابط مورد اشاره استخراج شده و با توجه به عدم قطعیت های کلیدی مستخرج از پرسش نامه های توزیعی در میان ۲۵ نفر از خبرگان، متولیان و سیاست گذاران حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل، چهار سناریو تدوین گشته است: (۱) بدترین: تضمین امنیت انرژی چین؛ (۲) بهترین: وقوع جنگ اقتصادی و تجاری میان چین و ایالات متحده؛ (۳) تداوم روند کنونی: عدم وقوع جنگ تجاری و اقتصادی میان چین و ایالات متحده؛ (۴) ناتوانی چین در تضمین امنیت انرژی. در ادامه به تناسب سناریوها و به تفصیل، علاوه بر

---

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/ <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/> است.

ارائه پیش‌نشانگرهای وقوع سناریوها، توصیه‌های راهبردی، سیاست‌ها و راهکارهایی برای مدیریت هر یک پیشنهاد شده است.

**واژه‌های کلیدی:** آینده پژوهی، ایندوپاسیفیک، سناریونویسی، رویکرد راهبردی، *GBN*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۵۳۳-۵۷۰

## مقدمه

بسیاری از اندیشمندان امر، روابط ایالات متحده و جمهوری خلق چین را مهم‌ترین روابط دوجانبه از منظر تأثیرات و پیامدهای آن بر آینده سیاست و نظام بین‌الملل تلقی می‌کنند. تلقی مزبور تا حدود زیادی صحیح می‌نماید؛ زیرا روابط پدیدار شده از یکسو در فضای پسا جنگ سرد رخ نموده است که دوران گذار را تجربه می‌کند و از سوی دیگر مسائل هم‌گرایانه و واگرایانه متعددی در روابط جاری دو کشور وجود دارد که به نحوی بالقوه می‌تواند فرایندهای کلان بین‌المللی را از خود متأثر کند و بر موقعیت قدرت‌های برتر جهانی و آزادی عمل این دسته از کنشگران قدرت طلب تأثیرات ژرفی را برجای گذارد و دو کشور را به سمت یک نظام جهانی، با ماهیت مدل دو/چندقطبی سوق دهد. از این‌رو، پایش تحولات روابط این دو کنشگر برتر می‌تواند در فهم روندهای کنونی و حتی آتی سیاست بین‌الملل مؤثر واقع شود.

نکته مهم و قابل توجه این است که چون در نظام بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ و سیاست آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، شناخت این سیاست‌ها و رفتارها برای جمهوری اسلامی ایران در راستای اتخاذ راهبردهای مطلوب و بهینه در عرصه سیاست خارجی بسیار مهم است. متأثر از مطالبی که ذکرشان رفت، مسئله پژوهش پیش رو، بررسی آینده سیاست‌های ایالات متحده و جمهوری خلق چین در آوردگاه راهبردی ایندوپاسیفیک است تا از طریق تحلیل رفتارهای بازیگران موردنظر، بررسی پیشران‌ها، عوامل کلیدی تغییر و شگفتی‌سازهای مؤثر بر آینده روابط دو کشور در حوزه ایندوپاسیفیک، راهکارهای

تحصیل منافع جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش سناریونویسی تبیین و احصا شود. با تأسی از مطالب پیش گفته، در خلال اثر حاضر کوشش شده است تا ضمن پرهیز از تکرار مکررات و عبور از استدلال‌های تاریخی غیرضروری، به جهت ارائه بینشی سودمند از روندهای سیاسی و اقتصادی حاکم بر حوزه ایندوپاسیفیک، با دو رویکرد سلبی و ایجابی، تصویری کم‌وبیش جامع از آینده تحولات این منطقه راهبردی به تصویر کشیده شود. مع‌الوصف، مسئله اصلی پژوهش پیش رو بررسی تغییرات آینده حوزه ایندوپاسیفیک در پرتو منازعات جمهوری خلق چین و ایالات متحده در افق زمانی ۱۴۰۴/۲۰۲۵ و تأثیرات آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است.

### پیشینه پژوهش

• کتاب «هند - اقیانوسیه: ترامپ، چین و کشمکش جدید برای حکمرانی جهانی»<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)؛ «ریچارد جواد حیدریان»<sup>۲</sup> در این کتاب به تشریح و تبیین مقوله‌هایی همچون دکترین ترامپ، هنر مداخله هوشمند، نظم نوین چینی، ابتکار کمربند-راه به‌عنوان پیشگام جدید جهانی‌شدن، جنگ سرد جدید، جهان پسا آمریکایی، قدرت‌های متوسط و ائتلاف بازدارندگی و هژمون نوپای چین مبادرت ورزیده است.

• مقاله «آوردگاه ایندوپاسیفیک و رویارویی پکن - واشنگتن در عصر پسا جنگ سرد (۲۰۱۹ - ۲۰۱۰)» (۱۳۹۹)؛ «رکابیان و عله‌پور» در این مقاله کوشیده‌اند به این پرسش پاسخ گویند که رویکرد راهبردی چین به تحرکات ایالات متحده در حوزه ایندوپاسیفیک بر چه مبنایی استوار است؟ ایشان در مقام پاسخ چنین اظهار داشته‌اند که متأثر از شرایط ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک، پکن کوشیده است تا در پرتو روابط و تعاملات نوین مسالمت‌آمیز، رویکرد توازن‌گرایانه‌ای را در سطوح داخلی و خارجی ردگیری نموده و متعاقباً به زمینه‌سازی و ایجاد سیستم چندجانبه متعادل مبادرت ورزد.

1. India-Oceania: Trump, China & the new challenge to world governance

2. Richard Javad Heydarian

• مقاله «اختلال چین و ایالات متحده؛ قدرت و سیاست در ایندوپاسیفیک پس از کووید ۱۹»<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)؛ «تیتلی باسو»<sup>۲</sup> در اثر خود چنین اظهار داشته است که در جهان پسا کرونا قدرت‌های بزرگ با رویکردی رقابتی، پروژه‌های نظم‌سازی را دنبال خواهند کرد که قبلاً بر روی آن سرمایه‌گذاری کرده بودند. درعین حال رقابت میان واشنگتن و پکن نیز در حوزه ایندوپاسیفیک ادامه خواهد یافت.

• مقاله «چگونگی رقابت ایالات متحده و چین در ایندوپاسیفیک و مباحث مرتبط با آن»<sup>۳</sup> (۲۰۲۰)؛ «اندرو اسکوبل»<sup>۴</sup> در این مقاله معتقد است که رقابت واشنگتن و پکن در اوایل قرن بیستم، نه از پیش تعیین شده و نه انحرافی بود؛ با وجود این، اختلافات ناپایدار ایالات متحده و چین در طی سال‌های پس از جنگ سرد بیش از هر عامل دیگری متأثر از تلاشی شدن ائتلاف‌های طرفدار همکاری در دو کشور بوده است.

• مقاله «درک پویایی ایندوپاسیفیک: رقابت راهبردی ایالات متحده و چین، بازیگران منطقه‌ای و مسائل فراتر از آن»<sup>۵</sup> (۲۰۲۰)؛ «کای هی و مینگجیانگ لی»<sup>۶</sup> در این مقاله پرسش‌هایی را مطرح کرده‌اند؛ از جمله: آیا ایندوپاسیفیک به عرصه نبرد چین و ایالات متحده بدل خواهد شد؟ چین چگونه با راهبرد ایالات متحده در منطقه کنار خواهد آمد؟ واکنش کنشگران منطقه‌ای به رقابت واشنگتن و پکن چگونه خواهد بود؟ پیامدهای راهبردی تحولات رخ‌نموده در این حوزه راهبردی برای تحول نظم منطقه‌ای چیست؟

• مقاله «راهبردهای ایالات متحده و چین در ایندوپاسیفیک»<sup>۷</sup> (۲۰۲۰)؛ «وی

1. Sino – US Disorder: Power & Policy in Post – COVID Indo Pacific

2. Titli Basu

3. Constructing a US – China Rivalry in the Indo Pacific & Beyond

4. Andrew Scobell

5. Understanding the dynamics of the Indo Pacific: US – China Strategic Competition, Regional actors & beyond

6. Kai He & Mingjiang Li

7. The United States, China & the Indo Pacific Strategy

ژینگ هو<sup>۱</sup> در این مقاله اظهار داشته است که چین مهم‌ترین رقیب بالقوه و حتی بالفعل ایالات متحده در قرن ۲۱ است و منطقه ایندوپاسیفیک منطقه‌ای کلیدی است که در آن رقابت راهبردی ایالات متحده و چین برگزار می‌شود.

• مقاله «راهبردهای ایندوپاسیفیکی ایالات متحده و پاسخ چین»<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)؛ «وی ژینگ هو و وی ژانگ منگ»<sup>۳</sup> در این مقاله اظهار داشته‌اند، راهبرد جدید امنیت ملی ایالات متحده به‌وضوح چین را به‌عنوان رقیبی راهبردی تعریف می‌کند که در آینده‌ای نزدیک قادر است قدرت، نفوذ و منافع آمریکا را به چالش بکشد. در همین راستا واشنگتن به‌عنوان بخشی از یک رویکرد راهبردی در برابر چین، خواستار «اتحاد جدید دموکراسی‌ها» علیه چین در جامعه بین‌الملل شده است. از نظر نویسندگان پاسخ چین به تحرکات ایالات متحده، سازنده، صلح‌آمیز و بدون تقابل و چالش با آمریکا خواهد بود.

درباره پیشینه موضوع رقابت راهبردی چین و ایالات متحده در حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک، در مجموع می‌توان گفت که با بررسی ادبیات موجود در میان آثار فارسی و انگلیسی، با وجود کثرت منابع در تجزیه و تحلیل وقایع در این موضوع، هیچ‌یک از آثار با رویکردی آینده‌پژوهانه نوع رقابت رخ‌نموده و تأثیرات آن را بر منافع جمهوری اسلامی ایران مورد مذاقه قرار نداده‌اند و در میان نویسندگان داخلی و خارجی تاکنون رویه غالب در تحلیل وقایع فی‌مابین بیشتر معطوف به روندهای ظهور و صعود جمهوری خلق چین در سلسله‌مراتب قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بوده است؛ بنابراین می‌توان اظهار داشت که راهبردهای موازنه‌جویانه پکن در مقابل واشنگتن در آوردگاه راهبردی ایندوپاسیفیک چنان‌که شایسته و بایسته است، بررسی نشده و همین امر نشان‌دهنده نوآوری و تازه بودن موضوع این مقاله بوده است.

---

1. Weixing Hu

2. The Us Indo Pacific Strategy & China's Response

3. Weixing Hu & Weizhan Meng

## ۱. روش‌شناسی تحقیق

به‌منظور تبیین هدفمند موضوع مورد مذاقه در ادامه کوشش شده است تا ضمن توضیح مفاهیم «آینده‌پژوهی»<sup>۱</sup> و سناریونویسی، الگوی جهانی کسب‌وکار به‌مثابه روش غالب پژوهش تشریح شود. گفتنی است که واژه آینده‌نگاری را برای نخستین بار نویسنده ژرف‌اندیش، «اچ.جی. ولز»<sup>۲</sup> در برنامه «بی‌بی‌سی»<sup>۳</sup> در سال ۱۳۱۱/۱۹۳۲ به کار گرفت. در تعریف او آینده‌نگاری به فرایند پیش‌بینی اشاره دارد که در پی گفتن مطلبی درباره احتمالات و انتخاب‌های آینده است (Kuosa, 2011, p. 3). به بیانی دیگر آینده‌پژوهی علم و هنر کشف و ساخت آینده است. در این تعریف رسا، سه مؤلفه کلیدی وجود دارد: نخست آنکه آینده‌پژوهی تنها یک علم صرف نیست، بلکه تلفیقی از علم و هنر است؛ دوم، اشاره به کشف آینده دارد که در اینجا تأکید بر شناسایی و کشف آینده بر مبنای روابط علی و معلولی معینی است و سخن از حدس و گمان بر مبنای جهل و ناآگاهی نیست، بلکه شناخت بر اساس روند داده‌های گذشته، شناسایی سیگنال‌های تغییر کنونی و وضعیت‌های محتمل و قابل رخ دادن در آینده است و مؤلفه سوم و بسیار مهم، شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است. این مؤلفه کلیدی نشان می‌دهد که آینده‌پژوهی درصدد است پا را فراتر از پیش‌بینی و کشف آینده بگذارد و بر شکل دادن آینده بر اساس واقعیت‌های موجود تأکید کند.

علاوه بر مفهوم آینده‌پژوهی، واژه موردتوجه دیگر، مفهوم «سناریو»<sup>۴</sup> است. سناریو را می‌توان روشی برای خلاصه‌سازی دستاوردهای ناشی از تلاش‌های آینده‌پژوهی دانست؛ خواه این دستاوردها بر پایه روش‌های کمی استوار باشند که به پیش‌بینی‌ها و تسری‌های دقیق اما محدود می‌انجامد، خواه بر پایه روش‌های کیفی که از آینده تمامی جوامع و تمدن‌ها، تصویرهای بدیل فراگیر ارائه می‌دهند

1. Futures Studies / Futurology

2. H. G Wells

3. BBC

4. Scenario



(بل، ۱۳۹۲، ص. ۵۴۷). در همین رابطه، «پیتر شوارتز»<sup>۱</sup> در کتاب «هنر دورنگری»<sup>۲</sup> سناریو را ابزاری برای نظم بخشیدن به دریافت‌های ذهنی در خصوص محیط‌های آینده بدیل تعریف کرده است که در آن تصمیمات می‌توانند به اجرا گذاشته شوند (امینی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۷).

متأثر از مطالبی که ذکرشان رفت باید اظهار داشت که پژوهش پیش رو به لحاظ روش، توصیفی (پدیدار شناختی) تحلیلی و از نظر نوع، موردی - زمینه‌ای است. این نوشتار در دو مرحله انجام شده است: در مرحله نخست داده‌ها به صورت کیفی گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و سپس از تحلیل آمار توصیفی برای نمایش اطلاعات بهره‌جویی شده است؛ بنابراین، داده‌های جمع‌آوری شده عمدتاً کیفی و رویکرد غالب این پژوهش نیز کیفی بوده است.

گفتنی است، با توجه به اینکه برخی از داده‌ها و یافته‌ها با کمک آمار توصیفی به نمایش درآمده است، رویکرد پژوهش «آمیخته»<sup>(۱)</sup> است و روش گردآوری اطلاعات از جامعه اسنادی به شکل کتابخانه‌ای و در جامعه خبرگان به روش میدانی و بالطبع ابزارها در روش کتابخانه‌ای به شکل فیش‌برداری و در روش میدانی به شکل مصاحبه،<sup>(۲)</sup> پنل خبرگان، پرسشنامه و... بوده است. ذکر این نکته ضروری می‌نماید که پژوهش پیش رو به روش سناریونویسی کیفی «GBN»<sup>۳</sup> برای استفاده از داده‌های مستخرج انجام شده است؛ روشی که ضمن ارائه توصیف‌ها و تصاویری از آینده‌ای بدیل، استفاده هم‌زمان از سایر ابزارهای آینده‌پژوهی نظیر گفت‌وگوهای راهبردی، میزگرد خبرگی، دلفی، پویش و پایش محیطی و تحلیل روندها، یکی از روندهای جامع در آینده‌پژوهی به شمار می‌رود.

به منظور منطبق‌دهی به سناریوهای پژوهش بر اساس الگوی شبکه جهانی کسب‌وکار، ۹ مرحله زیر طی شده است: (۱) شناسایی بازیگران یا تصمیم اصلی پژوهش؛ (۲) شناسایی عوامل یا نیروهای کلیدی در محیط تصمیم؛ (۳) شناسایی

---

1. Peter Schwartz

2. The Art of the long View

3. Global Business Network

«نیروهای پیشران»<sup>۱</sup> در «کلان محیط»<sup>۲</sup> با کاربست «ذهن‌انگیزی»<sup>۳</sup> (۴) طبقه‌بندی روندهای عوامل کلیدی بر مبنای اهمیت و «عدم قطعیت»<sup>۴</sup> (۵) منطبق‌دهی به سناریوها؛ (۶) پُربار کردن سناریوها؛ (۷) نگارش سناریوها؛ (۸) انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما؛ (۹) بازنگری و بازخوردگیری از سناریوها.

علاوه بر این، با هدف تأمین روایی و پایایی ابزارهای سنجش (پرسش‌نامه) و سناریوهای پژوهش در گام نخست کوشش شده تا برای بررسی پایایی هر دسته از پرسش‌نامه‌های طراحی شده، آلفای کرونباخ آن‌ها احصا شود. در ادامه، پس از بررسی پایایی زیر آزمون، بر اساس واریانس کلی هر آزمون و واریانس کُل پرسش‌نامه، آلفای کرونباخ مربوط به کُل پرسش‌نامه برآورد گشت که نتایج محاسبه آلفای کرونباخ کُل پرسش‌نامه، از پایایی مطلوب کُل پرسش‌نامه نشان داشت. به این ترتیب با هدف روایی و پایایی پرسش‌های مصاحبه، مراحل زیر به انجام رسید:

۱. پرسش‌های مصاحبه از طریق مرور ادبیات تدوین گشت؛
  ۲. پرسش‌ها به نظرسنجی صاحب‌نظران و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با حوزه امنیت و سیاست گذاشته شد؛
  ۳. پرسش‌ها، مورد بررسی و پالایش استادان ذی‌ربط قرار گرفت.
- همچنین برای روایی و پایایی پاسخ‌های مصاحبه تمهیدات و مراحل زیر در نظر گرفته شده است:
۱. پرسش‌ها به پست الکترونیکی مصاحبه‌شوندگان برای بررسی اولیه و احراز آمادگی لازم ارسال شد؛
  ۲. با صاحب‌نظران مصاحبه حضورى صورت گرفت؛
  ۳. پس از پیاده‌سازی اظهارنظر کارشناسان و ویرایش پاسخ‌ها، مطالب به صورت مکتوب و بافاصله زمانی مشخص برای مصاحبه‌شوندگان ارسال شد؛

- 
1. Driving forces
  2. Macroenvironment
  3. Brainstorming
  4. Uncertainty

۴. در مصاحبه مجدد با مصاحبه‌شوندگان، تأییدیه نهایی درباره متون ارسالی دریافت شد؛

۵. گزیده‌ای از بخش‌های مصاحبه‌های انجام‌شده به شکل پرسش‌نامه در اختیار جامعه آماری قرار گرفت و سپس نتایج آن احصا شد.

در پایان، به‌منظور تأمین روایی داستان‌های سناریو نیز کوشش شد که پس از طی مراحل پژوهش، سناریوهای طراحی‌شده از طریق روش‌های از پیش‌معیین مانند پانل‌های خبرگی و تونل باد در اختیار و معرض گروه‌های کانونی قرار داده شود. پس از برگزاری جلسات خبرگی، داستان‌هایی که بر اساس روندها، رویدادها، عدم قطعیت‌ها و عوامل کلیدی مؤثر، متغیرها و داده‌های مستخرج از مرور ادبیات، مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها، طراحی شده بودند، مورد تأیید خبرگان امر واقع شدند.

## ۲. حوزه آیندوپاسیفیک عرصه رقابت تمام‌عیار چین و آمریکا در فضای پسا جنگ سرد

در خلال «جنگ سرد»<sup>۱</sup> منافع ابرقدرت‌ها به‌نوبه خود تعیین‌کننده سرنوشت بسیاری از وقایع جهان بود؛ این در حالی است که در فضای پسا جنگ سرد، نظام بین‌الملل دستخوش دگرذیسی‌های ژرف بنیادینی شده است که امکان رشد هرچه بیشتر قدرت‌های منطقه‌ای را فراهم آورده است. در پرتو تحولات رخ نموده، مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای از فرصت بیشتری برای تحرک و خودنمایی بهره‌مند شده‌اند و در برخی از مناطق تغییرات قدرت منجر به جابه‌جایی قطب‌های قدرت جهانی شده است (Mousavi Shafae and Naghdi, 2016, p. 149). به بیانی بهتر می‌توان ابراز داشت، نظام دوقطبی که شکل مشخص آن غالب بودن دو بازیگر مهم آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بود، از میان رفت و متعاقب آن چرخشی تاریخی در مناسبات سیاست جهانی رقم خورده است. اگرچه آثار، پیامدها و افق آینده چرخش مذکور تاکنون پر ابهام می‌نماید؛ اما تردیدی نیست که سده جاری تمایزات بنیادین ژرفی با گذشته خواهد داشت (سلیمان‌پور، ۱۳۹۳، ص. ۶۴).

---

1. Cold war

جُدای از مباحث گوناگونی که دربارهٔ سرشت نظام بین‌الملل در فضای پساجنگ سرد پدیدار شده است؛ از معتقدان به ساختار تک‌قطبی با هژمونی ایالات متحده تا طرفداران ایدهٔ نظم چندقطبی یا هواداران رویکرد یک/چندقطبی، آنچه در خصوص آن اتفاق نظر وجود دارد، ورود و قدرت‌گیری روزافزون مجموعه‌ای نوین از بازیگران در نظام بین‌الملل است که قادر گشته‌اند ضمن بیشینه‌سازی مؤلفه‌های قدرت‌ساز خود، در عرصهٔ سیاست بین‌الملل به عرض‌اندام پردازند. در همین رابطه جمهوری خلق چین از کنشگران نوینی است که روند قدرت‌گیری و «خیزش»<sup>۱</sup> آن با در پیش گرفتن سیاست‌های واقع‌گرایانه در عرصه‌های داخلی و خارجی از سال‌های پیش از پایان جنگ سرد آغاز شده است (عزیزی، ۱۳۹۳، ص. ۸۸). خیزش پکن و افزایش دامنهٔ نفوذ و تأثیرگذاری، همراه با تلاش آرام برای ایجادِ دگردیسی‌های سامانمند، روزبه‌روز ایدهٔ انتقال مرکز ثقلِ قدرت از آتلانتیک به حوزهٔ راهبردی ایندوپاسیفیک را بیشتر برجسته کرده است؛ تا جایی که می‌توان این وضعیت را یک «معجزه»<sup>۲</sup> دانست و از جمهوری خلق چین به‌عنوان کشور «آینده»<sup>۳</sup> یاد کرد (رفیع و بختیاری جامی، ۱۳۹۲، ص. ۸۲).

گفتنی است که اصطلاح «ایندوپاسیفیک»<sup>۴</sup> در توصیف انتقال آرام مرکز ثقل سیاست و امنیت بین‌الملل از حوزهٔ اقیانوس اطلس به حوزهٔ اقیانوس هند به کار می‌رود (شفیعی، ۱۳۹۹، ص. ۳۶۸). به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک حوزهٔ ایندوپاسیفیک که برخی با عنوان هند-آرام نیز از آن نام می‌برند منطقه‌ای مهم در جغرافیای زیستی کرهٔ زمین است که آب‌های اقیانوس هند، غرب و مرکز اقیانوس آرام، دریاهای مرتبط میان دو اقیانوس و در مجموع ناحیهٔ اندونزی را شامل می‌شود. منطقهٔ مذکور به سه بخش غربی، مرکزی و شرقی تقسیم شده است که بخش مرکزی نسبت به سایر بخش‌ها اهمیت بیشتری دارد. هند-آرام مرکزی که بخش ارتباط‌دهندهٔ اقیانوس هند و آرام را پوشش می‌دهد شامل دریاهای پیرامون

- 
1. Rise
  2. Miracle
  3. Future
  4. Indo-Pacific

اندونزی، دریای چین جنوبی و دریای فیلیپین است (رکابیان و عله‌پور، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۸).

این منطقه راهبردی همچنین کشورهای مهمی همچون چین، فدراسیون روسیه، ژاپن و ایالات متحده را در خود جای داده است. علاوه بر موارد مزبور باید توجه داشت که قوی‌ترین کشورها از لحاظ اقتصادی یعنی ایالات متحده و ژاپن و از نظر نظامی، چین، هندوستان، کره شمالی، کره جنوبی و ویتنام، پنج کشور از ۱۰ کشور دارای بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان در این منطقه حضور دارند (Sahu, 2014, p. 551). به لحاظ شاخص‌های اقتصادی نیز بسیاری از کشورهای حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک در جدول شاخص‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد پیشرفت‌های قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. درواقع، کشورهای این منطقه توانسته‌اند به انباشت عظیم ثروت و بنیان‌گذاری پایه‌های مستحکم صنعتی و فناورانه مبادرت ورزند. موفقیت در پیشبرد سریع توسعه در میان کشورهای آسیایی سبب شده است که این منطقه به یکی از پویاترین مناطق در اقتصاد جهانی تبدیل و کانون ظهور ثروت و قدرت در جهان تلقی شود (عراقچی و سبحانی، ۱۳۹۱، ص. ۴۰). مجموع این عوامل سبب شده است تا چنین اظهار گردد که در فضای پسا جنگ سرد مرکز ثقل دریایی جهان به منطقه ایندوپاسیفیک در حال جابه‌جایی است.

جمع موارد پیش گفته سبب شد «باراک اوباما»<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، با تأسی از نظریه «جرج کنان»<sup>۲</sup> مبنی بر «سیاست مهار»،<sup>۳</sup> تمرکز و توجهش را به حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک معطوف کند. در راستای طرح و پیاده‌سازی سیاست مهار، اوباما در سال ۱۳۸۹/۲۰۱۱، برخلاف هم‌تایان پیشین خود در «کاخ سفید»<sup>۴</sup> دکترین جدیدی را تبیین نمود که در نتیجه آن ایالات متحده پس از خروج نیروهای نظامی خود از عراق، تمرکز خود را از غرب آسیا به آسیای جنوب شرقی

---

1. Barak Obama

2. George Kenan

3. Policy of containment

4. White House

معطوف داشت و بالطبع در پرتو راهبرد مهار، جمهوری خلق چین اهمیت وافری پیدا کرد. در همین رابطه، اوباما در سال ۱۳۸۹/۲۰۱۱ در استرالیا از «چرخش راهبردی»<sup>۱</sup> خبر داد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۵). مفهوم چرخش راهبردی برگرفته از کتاب «آلفرد مکیندر»<sup>۲</sup> است که در زمان‌های گوناگون روسیه و سپس چین را دو قدرت محوری تلقی می‌کرد که بزرگ‌ترین تهدیدات را به کشورهای آنگلو ساکسون و پس از جنگ دوم جهانی به ایالات متحده ارائه کرده‌اند. بسیاری در محافل فکری از مفهوم چرخش راهبردی با عنوان دکتین جدید ایالات متحده نام برده‌اند که علی‌الظاهر پس از یک دهه حضور نظامی در حوزه خلیج فارس، واشنگتن عمده تمرکز خود را بر آسیای شرقی معطوف خواهد کرد (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۴، ص. ۶۰). در این بین، نکته قابل تأمل این است که پس از آنکه اوباما جای خود را به «دونالد ترامپ»<sup>۳</sup> در کاخ سفید داد، نه تنها سیاست مهار جمهوری خلق چین تضعیف نشد، بلکه کمافی سابق و به آنحاء گوناگون پیگیری شد (Mac Adams, 2016).

البته این نوع از موضع‌گیری مقامات آمریکایی در زمان «جو بایدن»<sup>۴</sup> رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده نیز به وضوح قابل مشاهده است. در همین رابطه بایدن در روزهای ابتدایی در اختیار گرفتن سکان کاخ سفید، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «سی.بی.اس.»<sup>۵</sup> اظهار داشت: «لازم نیست مناقشه‌ای بین ما (واشنگتن و پکن) باشد، با وجود این رقابتی جدی در پیش است. روش من با روش ترامپ فرق دارد». به بیان دیگر بررسی مواضع دولت بایدن حاکی از آن است که تفاوت چندانی میان دولت تحت رهبری وی و دولت‌های پیشین مستقر در کاخ سفید در قبال چین وجود ندارد و دولت جدید نیز همچون دولت‌های قبل، چین را تهدیدی ژرف برای آمریکا تلقی می‌کند. البته تنها تفاوت دولت بایدن نسبت به دولت

- 
1. Strategic rotation
  2. Alfred Makinder
  3. Donald Trump
  4. Joe Biden
  5. CBS

ترامپ در تلاش او است برای اینکه با ترکیبی از دیپلماسی، مقررات بین‌المللی و اقدامات هماهنگ با متحدان خود، اهداف از پیش طراحی‌شده را در قبال چین عملیاتی کند؛ بنابراین، به نظر چنین می‌رسد که در کلان موضوع تغییری راهبردی در رویکردهای دو کشور ایجاد نخواهد شد، با این حال ممکن است با توجه به گرایش‌های فکری و عقیدتی دولت بایدن، به لحاظ تاکتیکی تغییرات ژرفی در روش‌های مدیریت تهدید چین از سوی دستگاه دیپلماسی تحت هدایت بایدن صورت پذیرد.

در نگاهی کلی عمده راهبردهای ایالات متحده در قبال چین در سال‌های اخیر در خلال اسناد امنیت ملی این کشور قابل مشاهده است. چین در «سند راهبردی امنیت ملی آمریکا»<sup>۱</sup> ۳۳ بار؛ در «خلاصه راهبرد دفاع ملی آمریکا»<sup>۲</sup> شش بار و در «بازبینی وضعیت هسته‌ای آمریکا»<sup>۳</sup> ۴۱ بار مخاطب قرار گرفته و از آن با عنوان «رقیب»<sup>۴</sup> و «تهدید»<sup>۵</sup> یاد شده است (Golshan, 2018). معنای ساده اقدامات ایالات متحده این است که درباره نوع رویارویی یا تقابل با پکن، آمریکا متأثر از توصیه‌های راهبردی افرادی همچون «مرشایمر»<sup>۶</sup> که قائل به «موازنه از نزدیک»<sup>۷</sup> به جای «موازنه از راه دور»<sup>۸</sup> برای کنترل جمهوری خلق چین است (Mearsheimer and Walt, 2016, p. 70). دو اصل تقویت حضور اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک را در منطقه ایندوپاسیفیک از یک سو و حمایت از متحدان منطقه‌ای خود در برابر پکن از سوی دیگر مورد توجه قرار داده است. در همین راستا واشنگتن با دست گذاشتن بر اختلافات سنتی میان کشورهای منطقه و در مرحله بعد با حضور کشتی‌ها و زیردریایی‌های خود و پرواز هواپیمای نظامی در نزدیکی جزایر مورد

1. (National Security Strategy Of The United States Of America, 2017: 12, 18, 35).

2. (Summary Of The 2018 National Defense Strategy, 2018: 3, 4).

3. Review of the US nuclear situation

4. Rival

5. Threat

6. John Mearsheimer

7. Balance from near

8. Balance from away

اختلاف جمهوری خلق چین با همسایگان این کشور و همچنین استقرار سامانه موشکی «تاد»<sup>۱</sup> به بهانه دفاع در برابر توانایی‌های موشکی کره شمالی (ولی در واقع با هدف بازدارندگی در برابر جمهوری خلق چین) در صدد دستیابی به اهداف اعلامی و اعلانی خود برآمده است (باقری دولت‌آبادی و درج، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۴).

درباره رویکردهای متوازن‌کننده پکن در مقابل تحرکات ایالات متحده در آوردگاه ایندوپاسیفیک می‌توان اظهار داشت که راهبرد کلان چین همانند هر دولت دیگری متأثر از تجارب تاریخی، منافع سیاسی و محیط راهبردی آن کشور است (رکابیان و عله‌پور، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۳). چینی‌ها راهبرد کلان خود را بر مبنای سه محور مرتبط با هم شکل داده‌اند: ۱) حفظ نظم داخلی و افزایش قابلیت دولت در مواجهه با کشمکش‌های داخلی؛ ۲) دفاع در برابر تهدیدات خارجی علیه حاکمیت ملی و سرزمینی؛ ۳) کسب و تداوم تأثیرگذاری ژئوپلیتیک به‌عنوان یک قدرت بزرگ (خضری، ۱۳۹۰، ص. ۶۸۳ - ۶۸۲). در همین خصوص نخبگان سیاسی چین در راستای اتخاذ رویکرد توازن‌گرایانه در مقابل ایالات متحده در آوردگاه راهبردی ایندوپاسیفیک، دو حوزه داخلی و خارجی را مورد توجه قرار داده‌اند.

«بحران تایوان»<sup>۲</sup> از مهم‌ترین حوزه‌های رویکرد متوازن‌کننده داخلی چین بوده که مورد توجه خاص نخبگان این کشور است و از زمان پیروزی انقلاب چین تاکنون یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در شرق آسیا بوده و تأثیرات مهمی بر روابط دو کشور جمهوری خلق چین و ایالات متحده داشته است (ارغوانی پیر سلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). پکن در پرتو بحران تایوان در صدد دیکته کردن سیاست‌های خود به همسایگان به‌عنوان سیاست‌های قابل قبول برآمده است تا از این رهگذر فشارهایی را برای خروج از شرق آسیا بر واشنگتن وارد کند (Brzezinski and Mearsheimer, 2005, p. 146). پس از بحران سیاسی - امنیتی تایوان، مقوله اقتصاد دومین مبحث در حوزه داخلی است که جمهوری خلق چین به‌عنوان رویکردی توازن بخش به آن می‌نگرد (Buzan, 2014, p. 235).

---

1. TAD

2. Taiwan Crisis



به بیانی دیگر، در سالیان اخیر افزایش توانمندی‌های اقتصادی از عواملی است که مقامات پکن از آن به‌عنوان ابزاری کارآمد در راستای مقابله با سیادت‌جویی ایالات متحده بهره‌گیری حداکثری را به عمل آورده‌اند. علاوه بر این، یکی دیگر از حوزه‌های چالش‌برانگیز در روابط جمهوری خلق چین و ایالات متحده حوزه نظامی است که به‌نوبه خود سبب شده است تا پکن در سال‌های اخیر فرایند توسعه را از حوزه اقتصاد به سایر حوزه‌ها انتقال دهد (Chase et al, 2015, p. 23)؛ اما در حوزه خارجی و در سایه رشد اقتصادی شگرف حاصل‌شده طی چند دهه اخیر، تلاش چین برای ایجاد رویکرد توازن‌گرایانه در برابر ایالات متحده در چند حوزه خاص، نمود بیشتری داشته است؛ تا جایی که از مهم‌ترین این حوزه‌ها می‌توان به گریدور «کمر بند - راه»،<sup>(۳)</sup> تأسیس نهادهای مالی بین‌المللی (بانک توسعه زیرساخت آسیایی)،<sup>(۴)</sup> توجه خاص به منطقه‌گرایی، گسترش روابط با فدراسیون روسیه و ایجاد ائتلاف‌های جمعی نوین همانند گروه بریکس و سازمان همکاری شانگهای اشاره کرد.

### ۳. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، شامل فرایند تدوین، تنظیم، شالوده‌ریزی و بیان معنی یا مفهوم انبوهی از داده‌های جمع‌آوری‌شده، فرایندی درهم، مبهم، وقت‌گیر، مبتکرانه و فریبنده است که به‌صورت مستقیم یا به روش خطی انجام نمی‌گیرد و طریقه آن چندان روشن و آشکار نیست. به بیانی دیگر، تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق کیفی، تلاشی است در راه ابراز نظر کلی در خصوص روابط بین طبقه‌هایی از داده‌ها که بنای یک تئوری را شالوده‌ریزی می‌کند. متأثر از موارد پیش‌گفته، در خلال این پژوهش، برای استفاده از داده‌های مستخرج از روش سناریونویسی کیفی (GBN) بهره‌گیری شده است. روش مزبور ضمن ارائه توصیف‌ها و تصاویری از آینده‌های بدیل، با استفاده هم‌زمان از سایر ابزارهای آیندپژوهی نظیر گفت‌وگوهای راهبردی، میزگرد خبرگی، دلفی، پویس و پایش محیطی و تحلیل روندها، یکی از روندهای جامع در روش‌های آیندپژوهی به شمار می‌رود. متأثر از این امر، کوشش شده است با بهره‌جویی از روش سناریوپردازی، تصاویری

روشن از آینده‌های ممکن و محتمل از تهدیدات امنیتی رقابت واشنگتن و پکن در حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک ترسیم گردد و در ادامه، ضمن استخراج روندها، رویدادها، عدم قطعیت‌ها و عوامل کلیدی مؤثر، متغیرها و داده‌های مستخرج از مرور ادبیات، مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها تجزیه و تحلیل شده، در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران تعمیم داده شود.

• گام نخست: شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی؛ در این رابطه، موضوع پژوهش «تبیین رویکردهای واشنگتن و پکن در حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک و تأثیرات آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران» است.

• گام دوم: شناسایی و مطالعه نیروهای کلیدی مؤثر در بروز تهدیدات و فرصت‌های برآمده از تقابل یا تعامل ایالات متحده و چین در منطقه ایندوپاسیفیک بر منافع جمهوری اسلامی ایران؛ گزاره‌های مستخرج در این مرحله با الگوی «STEEP»<sup>۱</sup> مرتب شده‌اند.

• گام سوم: شناسایی نیروهای پیشران؛ به منظور شناسایی نیروهای پیشران در کلان محیط، ابتدا با استناد بر ادبیات تحقیق و یافته‌های مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته فهرستی از پیشران‌ها احصا و سپس در معرض قضاوت گروه‌های کانونی و خبرگان امر قرار گرفت.

#### جدول ۱. نیروهای پیشران در کلان محیط

۱	پیگیری موازنه سازمان محور یا نهادگرایی منطقه‌ای در قالب سازمان همکاری شانگهای، آسه‌ان، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و صندوق راه ابریشم به جهت تحدید راهبرد چرخش به آسیای واشنگتن
۲	انتخاب رویکرد چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای
۳	تلاش برای نوسازی، توسعه و گسترش توان نظامی به جهت تضمین تأمین امنیت انرژی، تجارت تسلیحات و مقابله با بحران‌های احتمالی پیش رو
۴	تأکید بر قدرت نهادی و بسط سنت‌های چینی از طریق دیپلماسی هوشمند (المپیک پکن و نمایشگاه اکسپوی چین)
۵	کاهش امنیت نسبی حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک، از طریق ایجاد جو نظامی و تقویت تجارت اسلحه در منطقه (شبه‌جزیره کره)، تأکید بر دکترین کنترل چین و حضور نظامی بیشتر در منطقه با ادعای حمایت از تایوان
۶	تمرکز بر مناطق چالش‌زا به عنوان اهرم‌های فشار بر پکن (تایوان، جدایی طلبان سین کیانگ و دریای چین جنوبی)
۷	انتخاب راهبرد دوجانبه و چندجانبه در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی
۸	توجه به عامل فرهنگ به عنوان ستون سیاست و اقتصاد
۹	عامل جمعیت به مثابه نیروی محرک قدرت پایدار

۱۰	مگا پروژه کمر بند - راه
۱۱	ترویج یوان و رنمینبی به عنوان ارز مبادله‌ای در تجارت با کشورهای هم‌پیمان
۱۲	ردگیری مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی
۱۳	اتخاذ راهبرد جنگ اقتصادی (تحریم و تعرفه بر کالاهای وارداتی چینی)
۱۴	تهدید امنیت انرژی پکن به عنوان پاشنه آشیل چین
۱۵	عوامل قانونی و حقوقی
۱۶	حقوق دریاها

• گام چهارم: شناسایی، استخراج و تعیین وزن عدم قطعیت‌ها، تنظیم فهرستی از پیشران‌ها و عوامل کلیدی در معرض قضاوت خبرگان. نتایج این بخش در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. عدم قطعیت‌های مؤثر بر روابط واشنگتن و پکن در منطقه ایندوپاسیفیک بر اساس «اهمیت» و

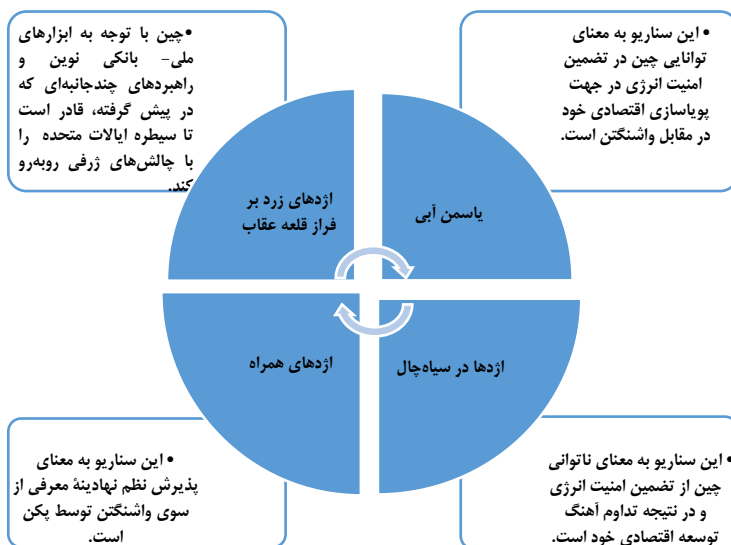
«عدم قطعیت»	
۱	بهره‌گیری چین از ظرفیت‌ها و ابتکارهای نوینی همچون: «CIPS»، مگا پروژه کمر بند - راه، بانک توسعه زیرساخت آسیایی، راهبردی چرخه دوگانه و... به جهت مقابله با یک‌جانبه‌گرایی و تحدید راهبرد چرخش به آسیای واشنگتن
۲	تبدیل شدن عامل انرژی به ابزاری برای تحدید قدرت روبه‌تزايد چین از سوی ایالات متحده
۳	سرایت منازعات سیاسی - اقتصادی واشنگتن و پکن از منطقه ایندوپاسیفیک به سایر مناطق راهبردی از جمله غرب آسیا
۴	استفاده ابزاری واشنگتن از بحران شبه‌جزیره کره، موضوع تایوان، تبت، جزایر دریای چین جنوبی و جدایی طلبان سین کیانگ، به عنوان اهرم‌های فشارقوی علیه چین
۵	تلاش پکن در جهت برقراری امنیت منطقه‌ای از طریق اتخاذ راهبردهای دوجانبه و چندجانبه با هدف تضمین امنیت انرژی و دستیابی به اهدافی همچون ساخت چین ۲۰۲۵ و ۲۰۳۵
۶	تلاش ایالات متحده در جهت کنترل اقدامات منطقه‌ای چین با همکاری متحدان متعدد منطقه‌ای خود از طریق دکترین کنترل چین
۷	تأکید و تمرکز بیشتر دو کشور بر راهبردهای دوجانبه و چندجانبه در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف بسترسازی و تعمیق منزلت منطقه‌ای و جهانی خود
۸	افزایش اهمیت تضمین امنیت انرژی با هدف دستیابی به ثبات و تداوم رشد اقتصادی

• گام پنجم: تعیین عدم قطعیت‌های کلیدی؛ بر اساس گام چهارم، عدم قطعیت‌های کلیدی، هم از حیث تأثیر و هم از حیث اهمیت تعیین شدند. به همین منظور و با هدف ترسیم چارچوب یا فضای سناریو، عدم قطعیت‌های مهم شناسایی شده، بر اساس دو معیار درجه اهمیت و درجه عدم قطعیت مورد ارزیابی خبرگان قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۳ آمده است:

**جدول ۳. عدم قطعیت‌های کلیدی رتبه‌بندی شده بر اساس «اهمیت» و «عدم قطعیت»**

۱	وقوع جنگ اقتصادی و تجاری میان جمهوری خلق چین و ایالات متحده
۲	تبدیل شدن عامل انرژی به ابزاری مؤثر در تعیین روابط پکن - واشنگتن

همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، بر اساس نظر خبرگان، از میان عدم قطعیت‌های شناسایی شده، دو عامل وقوع جنگ اقتصادی و تجاری میان جمهوری خلق چین و ایالات متحده و تبدیل انرژی به ابزاری مؤثر در تعیین روابط پکن - واشنگتن، به‌عنوان عدم قطعیت‌های کلیدی انتخاب شدند؛ بنابراین، ماتریس سناریو بر اساس عدم قطعیت‌های کلیدی که از پرسشنامه توزیع شده در میان خبرگان استخراج شد، مطابق شکل ۱ است.



شکل ۱. ماتریس سناریو بر اساس عدم قطعیت‌های کلیدی پرسشنامه توزیع شده در میان خبرگان استخراج شد

• گام ششم: تحلیل روابط علی و ارزیابی میزان روایی سناریوهای نگارش شده؛ در این مرحله کوشش شد تا باورپذیری سناریوها از این مرحله به بعد پیوسته با کمک خبرگانی که فردی یا گروهی در جریان کار قرار داشتند مورد ارزیابی قرار

گیرد. گفتنی است که در این مرحله انجام «پنل خبرگی»<sup>(۵)</sup> یا «آزمون تونل باد»<sup>(۶)</sup> و ارائه راهبردهای پژوهش با حضور خبرگان امر انجام پذیرفت. سناریوهای توسعه‌یافته در ادامه به تفصیل ارائه شده است.

• گام هفتم: آزمون مواضع پژوهش با طرح پرسش؛ به منظور بررسی مضامین سناریوهای توسعه‌یافته، در این مرحله مواضع ابتدایی پژوهش از رهگذر طرح پرسش‌هایی آزموده شد؛ اینکه چه خواهیم کرد اگر این سناریو واقعیت پیدا کند؟ چه ضعف‌هایی آشکار شده است؟ و چه راهکارهایی برای مقابله با مسائل احتمالی باید اندیشیده شود؟ در همین راستا تلاش شد تا با استفاده از برنامه‌ریزی «فرض‌بنیاد» و روش «کوئست»<sup>۱</sup> راهکارهایی برای تدوین راهبرد و سیاست‌ها از خروجی پویش محیطی و سناریو با تکیه بر نظر خبرگان احصا شود.<sup>(۷)</sup> همچنین در این مرحله از پژوهش، سناریوها و داده‌های حاصل از دیده‌بانی، طی جلسات خبرگی، از سوی خبرگان هدف اخذ شد. سپس جمع‌بندی دیدگاه‌های ارائه‌شده خبرگان امر با هدف ایجاد درک مشترک از تهدیدات سیاسی - امنیتی ناشی از رویکردهای ایالات متحده و چین در آوردگاه راهبردی ایندوپاسیفیک و همچنین شناسایی و تعیین اولویت‌ها، امکانات و احتمالات آینده که برای کشور پیامد دارند انجام شد. با توجه به نشست‌های برگزارشده، این دستورالعمل‌ها احصا شده است:

(۱) نائل آمدن به تحلیلی جامع از محیط خارجی تعیین تهدیدات امنیتی ناشی از رویکردهای احتمالی واشنگتن و پکن؛ (۲) تحلیل و ارزیابی ظرفیت کشور و گزینه‌های راهبردی برای رویارویی با تهدیدات پدیدار شده؛ (۳) سیاست‌ها، راهکارها و توصیه‌های راهبردی. سرانجام به منظور صحت‌سنجی سناریوهای نگارش شده و ارزیابی روایی و منطق علی آن‌ها، در دو نوبت، یافته‌های پژوهش در اختیار خبرگان هدف قرار گرفت و از این رهگذر بررسی‌های نهایی صورت پذیرفت.

• گام هشتم: «انتخاب پیش‌نشانگرها»<sup>۲</sup>؛ در این مرحله پس از خلق سناریوها،

1. QUEST (The Quick Environmental Scanning Technique)

2. Leading Indicators

شاخص‌هایی استخراج شدند که برنامه‌ریزان را در پایش جریان روندها و رویدادها و چگونگی تأثیرات احتمالی آن‌ها بر منافع جمهوری اسلامی ایران کمک خواهند کرد. در همین راستا و در پرتو جلسات خبرگی، شاخص‌های مربوط به آن‌ها از بطن سناریوها و روند متمایز هر سناریو بیرون کشیده و سپس به قضاوت خبرگان سپرده و در انتهای سناریو قید شد.

• گام پایانی: ترسیم چشم‌اندازهای کلی پژوهش؛ چشم‌انداز کلی در قالب مطلوبیت‌های موجود از رقابت دو کشور ایالات متحده و چین در منطقه آیندوپاسیفیک به منظور بیشینه‌سازی منافع جمهوری اسلامی ایران احصا گشت و در معرض قضاوت خبرگان قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است:

#### جدول ۴. عنوان مطلوبیت

۱	کاهش حضور و نفوذ ایالات متحده در منطقه غرب آسیا به سبب رقابت با پکن در حوزه آیندوپاسیفیک
۲	ارتقای وزن جمهوری اسلامی ایران در رویکرد بلوکی چین در عرصه امنیت انرژی
۳	توسعه روابط سیاسی - اقتصادی تهران - پکن
۴	افزایش حوزه کنشگری جمهوری اسلامی ایران در آوردگاه راهبردی غرب آسیا در برابر نیروهای نیابتی واشنگتن
۵	افزایش حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک پکن از تهران در نهادهای منطقه‌ای و بین‌الملل و موافقت با عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای
۶	دستیابی جمهوری اسلامی ایران به رشد اقتصادی و خارج‌سازی خود از چرخه دلار «سوئیفت» از طریق تغییر تمایل پکن به سیاسی کردن ارز خود در قبال ایران «CIPS»

#### ۴. سناریوهای پژوهش

پس از طی مراحل پیش‌گفته، مشروح سناریوهای پژوهش به شرح ذیل قابل ترتیب‌بندی است:

##### ۴-۱. یاسمن آبی<sup>۱</sup> (بدترین سناریو)<sup>(۸)</sup>

در خلال این سناریو، پکن به‌عنوان یک قدرت در حال صعود، برای تداوم رشد اقتصادی خود به‌صورت روزافزون نیازمند انرژی است و تأمین و تضمین امنیت انرژی بیش‌ازپیش به یکی از ارکان و شروط اساسی حفظ و بیشینه‌سازی توسعه اقتصادی و حفظ مشروعیت و بقای نظام سیاسی این کشور بدل شده است. درباره

تضمین امنیت انرژی، چین به اقدام راهبردی خود مبنی بر نوسازی نظامی و توسعه نیروی دریایی ارتش آزادی بخش عمق بخشیده و تمرکز بیشتری بر مناطق مستعد بحران مانند جزایر مورد مناقشه در دریای چین جنوبی معطوف داشته است؛ همچنین نسبت به گذشته، از خطوط دریایی آسیب پذیر و شبکه توزیع انرژی منطقه راهبردی غرب آسیا از مسیر تنگه مالاکا و اقیانوس هند محافظت شدیدتر و گسترده تری را به منصفه ظهور رسانده است. پکن در راستای تضمین امنیت انرژی، از طریق تقویت و تعمیق راهبرد چندجانبه گرایشی و توسعه همکاری های تجاری و تداوم سرمایه گذاری های زیربنایی در صدد بستر سازی برای بهره گیری از خطوط انتقال گاز از حوزه خلیج فارس و آسیای مرکزی برآمده است. علاوه بر این، چین در کنار شرکت های نفتی دولتی همچون «شرکت ملی نفت چین»<sup>۱</sup>، «شرکت نفت و پتروشیمی چین»<sup>۲</sup> و «شرکت نفت ملی دریایی»<sup>۳</sup> از ظرفیت بخش خصوصی (برای احاله مسئولیت و ممانعت از ایجاد بار حقوقی و مسئولیت برای دولت) نیز بیش از پیش در رابطه با کشورهای هدف بهره جسته است.

شاخص های راهنمای این سناریو عبارت اند از:

#### ۴-۱-۱. پیش نشانگرهای سناریو

- افزایش تحرکات سیاسی - اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی برای انزوای ایران؛
- همراهی و همکاری چین با ایالات متحده برای تحدید رابطه خود با تهران؛
- تداوم رشد اقتصادی چین در پرتو تضمین امنیت انرژی؛
- توجه و تمرکز بیشتر بر راه ابریشم دریایی و ابتکار کمربند - راه؛
- تلاش در جهت متنوع سازی منابع عرضه و مسیرهای انتقال انرژی؛
- کاهش پلکانی مرادوات انرژی ایران و چین.

1. CNPC

2. SINOPEC

3. CNOOC

## ۴-۱-۲. خطوط اصلی سناریو

- چین مبادرت به متنوع‌سازی گزینه‌های انرژی خود نموده است و بیش‌ازپیش از ظرفیت کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و عراق که ذخایر عظیم نفت و گاز و فناوری‌های استحصال انرژی غربی را در اختیار دارند بهره‌جویی نموده است.
- کنشگری منفی و غیر سازنده هویت‌های رقیب (ایالات متحده، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی) و درک سطحی از برقراری روابط راهبردی میان ایران و چین به کاهش وزن انرژی تهران برای پکن منجر شده است.
- تحریم‌های مالی و بانکی مجموعه غرب و مشخصاً ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران موجب تحدید توان تهران برای صادرات نفت به چین گشته است.
- با توجه به نیاز فزاینده چین به انرژی به‌منظور تداوم رشد اقتصادی خود و همچنین به سبب عدم تمایل پکن به رویارویی با واشنگتن (لااقل در کوتاه‌مدت)، چین از پیشنهاد ایالات متحده مبنی بر جایگزینی نفت از عربستان سعودی به‌جای ایران استقبال کرده است.
- متأثر از نگرش بلوکی چین، ایران صرفاً به یک تأمین‌کننده جزئی انرژی چین بدل شده و در مقایسه با کشورهای عرضه‌کننده انرژی به چین، جایگاه به‌مراتب نازل‌تری را احراز نموده است.
- نوع روابط ایالات متحده و چین حدودو ثغور همکاری‌های میان پکن و تهران را در زمینه انرژی مشخص ساخته است.
- چین رژیم‌سازی بین‌المللی جدیدی را در چارچوب مگا پروژه کمربند - راه در راستای نائل آمدن به اهداف دیپلماسی انرژی خود دنبال کرده است (ظرفیت‌سازی ابتکار کمربند - راه برای معماری نوین حکمرانی جهانی).
- چین از طرح پلکانی واشنگتن مبنی بر کاهش واردات نفت از ایران تبعیت کرده و واردات انرژی از ایران را به کمترین میزان ممکن کاهش داده است.
- با رویکردی مرکانتیلیستی، افزایش تنوع منابع عرضه و مسیرهای انتقال



انرژی مورد توجه مقامات پکن واقع شده است.

- به دلیل ضعف در حفاظت از تانکرهای نفتی و ورود به جنگ در دریای چین جنوبی، پکن در تنگهٔ مالاکا، راه ابریشم دریایی را با هدف اتصال دریایی چین جنوبی به دریای مدیترانه بیش از پیش مورد توجه قرار داده است.
- به طور کلی چین به سمت مسیرهای جایگزین از ایران سوق یافته است.

#### ۳-۱-۴. توصیه‌های راهبردی برای تأمین و تضمین منافع جمهوری اسلامی ایران

• انجام دیدارهای راهبردی دوجانبه توسط مقامات عالی دو کشور در مقولهٔ انرژی؛

- تنظیم مفاد برنامه‌ای جامع با توجه به آیندهٔ منابع انرژی؛
- ایجاد پیوند راهبردی با پکن از طریق ایجاد دالان انرژی؛
- توجه توأمان به ظرفیت‌های بخش خصوصی و دولتی دو کشور؛
- ترغیب پکن به انتقال فناوری و انجام سرمایه‌گذاری طولانی مدت.

#### ۴-۲. ازدهای زرد بر فراز قلعه عقاب<sup>(۹)</sup> (بهترین سناریو)

در پرتو این سناریو، پکن متأثر از رشد اقتصادی روزافزون خود و با استفاده از ابزارهایی همچون بانک بریکس، «سیستم پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین»،<sup>۱</sup> بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی و ابتکار کمربند - راه، راهبرد توازن اقتصادی در برابر ایالات متحده را در شمار اولویت‌های راهبردی خود قرار داده و سعی کرده است از یک کنشگر قاعده‌پذیر و توسعه‌گرا به بازیگری قاعده‌گذار و توسعه‌طلب بدل شود. در این رابطه، چین از طریق ایجاد نهادها و رویه‌های جدید مالی چندجانبه و تلاش برای تقویت جایگاه خود در نهادهای مالی منطقه‌ای و جهانی در مسیر تضعیف ساختار مالی جهانی کوشیده است تا اتکای خود را به ایالات متحده کاهش دهد و در عین حال یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده را مهار کند و متعاقباً همبستگی و روابط جنوب - جنوب را تقویت نماید و نفوذ خود را در سطح بین‌الملل بهبود بخشد.

در نقطه مقابل، ایالات متحده متأثر از این انگاره که برای دستیابی به سود بیشتر با هدف افزایش قدرت و استمرار هژمونی باید رقبای تجاری و اقتصادی در سطح نظام بین‌الملل ناکام گذاشته شوند، برای تثبیت و تداوم هژمونی جهانی خود و نیز با احساس تهدید از جانب پکن، با هدف قرار دادن نقاط حساس و راهبردی به‌مثابه پاشنه آشیل چین، درصدد ضربه زدن به اقتصاد آن برآمده است. بر این اساس دولت واشنگتن با ترکیبی از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی کوشیده است تا از طریق ناامن کردن محیط ژئوپلیتیکی شرق آسیا، در مسیر پیشینه‌سازی قدرت روبه‌تزايد چین مانع ایجاد کند. البته آمریکایی‌ها در پرتو شرایط پدیدار شده به‌صورت مقطعی از راهبرد تحریم و تعرفه‌بندی و مقوله کسری تجاری نیز استفاده خواهند کرد. شاخص‌های راهنمای این سناریو به‌قرار ذیل هستند.

#### ۴-۲-۱. پیش‌نشانگرهای سناریو

- ابتکار کمربند - راه، راهبرد چرخه دوگانه، «CIPS» و ساخت چین ۲۰۲۵، به‌مثابه عمده‌ترین راهبردهای چین برای ایجاد توازن تجاری با ایالات متحده؛
- تحدید راهبرد چرخش به آسیای واشنگتن از سوی جمهوری خلق چین از طریق سیاست‌هایی همچون: موازنه سازمان‌محور یا نهادگرایی منطقه‌ای در قالب سازمان همکاری شانگهای، آ.سه.آن، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و صندوق راه ابریشم؛
- تمرکز ایالات متحده بر مناطق چالش‌زایی همچون: تایوان، جدایی‌طلبان سین‌کیانگ و دریای چین جنوبی، به‌منظور تحت‌الشعاع قرار دادن خیزش اقتصادی چین؛
- توجه و تمرکز بیشتر پکن بر رویکرد چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای؛
- ترویج یوان و رنمینی به‌عنوان ارز مبادله‌ای در تجارت با کشورهای هدف به‌منظور تضعیف دلار؛
- تبدیل چین به کنشگری بی‌رقیب در بازار اقتصادی ایران؛
- ارتقای جایگاه ایران در ابتکار کمربند - راه؛
- افزایش همکاری‌های سیاسی - اقتصادی تهران - پکن.

#### ۴-۲-۲. خطوط اصلی سناریو

- چین با استفاده از ارزشهای محلی و مشخصاً یوان، درصدد کاهش تأثیر و تضعیف دلار در مبادلات بین‌المللی برآمده است (ارائه الگویی جدید از جهانی‌سازی و تثبیت الگوهای چینی تجارت و سرمایه‌گذاری).
- در راستای طراحی مالیه بین‌الملل به سمت جنوب، چین درصدد تغییر جهت ساختاری اقتصاد لیبرال حرکت کرده است.
- ایالات متحده راهبرد ناامنی اقتصادی در منطقه ایندوپاسیفیک و انزوای بین‌المللی چین را ردگیری نموده است.
- تحریم شرکت‌ها و بانک‌های چینی یکی از گزینه‌های واشنگتن در جنگ اقتصادی کنونی بوده است.
- چین به صورت موازی و هم‌زمان سعی داشته است که بر اساس هِرم ترکیب منافع، ایده و قدرت، هم میزبان سرمایه‌گذاری‌های خارجی باشد و هم به انجام سرمایه‌گذاری در خارج مبادرت ورزد.
- رشد اقتصادی چین موجب افزایش قدرت نسبی این کشور در حال صعود شده است و آن را در عرصه بین‌الملل در جایگاهی قرار داده است که بتواند اهداف اعلانی و اعلامی خود را جسورانه‌تر دنبال کند؛ نتیجه چنین شرایطی این است که به‌کارگیری ابزارهای قدرت (تحریم، تهدید و فشار) توسط ایالات متحده در مقابل چین دشوارتر و گران‌تر از سایر کشورها تمام شده است.
- ایالات متحده کوشیده است از مقوله‌های حقوق بشر و قضیه تایوان و هنگ‌کنگ به‌عنوان کارت بازی خویش برای فشار بر چین و همراه کردن آن‌ها با خود بهره‌جویی کند.
- چین به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، در قضیه‌ای مثل تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران، کارت خود را رایگان در اختیار واشنگتن قرار نخواهد داد (واشنگتن در همراه ساختن چین با خود در بحث تحریم‌های یک‌جانبه با محدودیت مواجه خواهد شد).
- چین در قالب مگا پروژه کمربند - راه درصدد ایجاد چالش برای الگوی

توسعه اقتصادی غربی برآمده و به همین دلیل اقدام به طراحی نظم نوینی در عرصه تجارت بین‌الملل کرده است.

- چین در راهبرد موازنه‌سازی اقتصادی کوشیده است تا برای هزینه‌مند کردن سیاست چرخش به شرق ایالات متحده، از ایران به‌عنوان کشور مخالف سیاست‌های یک‌جانبه واشنگتن در منطقه غرب آسیا بهره‌برداری کند.
- با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های ضدآمریکایی‌اش، چین در پرتو جنگ تجاری پدیدار شده میزان تجارت خود را با تهران افزایش داده است.

#### ۳-۲-۴. توصیه‌های راهبردی برای تأمین و تضمین منافع جمهوری اسلامی ایران

- عملیاتی کردن برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله؛
- ایجاد درهم‌تنیدگی اقتصادی و تجاری با چین با هدف مقابله با فشارهای مجموعه غرب؛

- لزوم بازتعریف جایگاه ایران در نقشه کریدورهای ابتکار کمربند - راه؛
- ترسیم جایگاه چین در راهبرد و اصول کلی سیاست خارجی کشور؛
- پیگیری گفت‌وگوهای راهبردی، تجاری و اقتصادی دوجانبه در سطوح عالی؛
- رصد اقدامات کنشگران رقیب جمهوری اسلامی ایران؛
- تنظیم مفاد برنامه با توجه به آینده حضور امنیتی چین در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل؛

- تعریف چین به‌عنوان طرف سوم همکاری ایران؛
- لایه‌ای کردن تعاملات فی‌مابین؛
- گسترش و تعمیق سطح همکاری‌های دوجانبه در حوزه مالی و بانکی؛
- تبیین و نظام‌مندسازی اسناد بالادستی به‌مثابه چراغ راه همکاری‌های انرژی و لزوم عطف به آن.

#### ۳-۴. ازدها در سیاه‌چال<sup>(۱۰)</sup>

در قالب این سناریو می‌توان گفت که با توجه به شرایط پدیدار شده در عرصه

اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ایالات متحده و جمهوری خلق چین در حوزه‌های مختلفی همچون تأمین امنیت انرژی، مصرف انرژی و رقابت بر سر تصاحب منابع و بازارهای انرژی، یکدیگر را با چالش‌های ژرفی مواجه نموده‌اند. بنا بر شرایط کنونی، ایالات متحده به‌عنوان قدرت هژمون در فضای پساشوروی، با هدف جلوگیری از ظهور قدرت همسنگ (جمهوری خلق چین) به دنبال موازنه‌سازی در مناطق مختلف به‌ویژه حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک است. در همین راستا یکی از راهبردهای واشنگتن برای دستیابی به اهداف اعلانی و اعمالی خود در جهت تحدید قدرت روبه‌تزايد جمهوری خلق چین، ایجاد اخلال در تضمین امنیت انرژی پکن است. از مهم‌ترین نموده‌های راهبردی که در جهت تحدید امنیت انرژی پکن مطمح نظر واشنگتن است می‌توان به کاهش امنیت نسبی حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک، از طریق ایجاد جو نظامی و تقویت تجارت اسلحه در منطقه (شبه‌جزیره کره)، تأکید بر دکترین کنترل چین (Pivot of Asia)، حضور نظامی بیشتر در منطقه با ادعای حمایت از تایوان، بهره‌گیری از قدرت‌های دریایی هم‌پیمان (ژاپن، هندوستان و کره جنوبی) به‌عنوان متحدان متعهد در جهت تحدید توسعه دریایی چین، تمرکز بر مناطق چالش‌زا به‌عنوان اهرم‌های فشار بر پکن (تایوان، جدایی‌طلبان سین‌کیانگ و دریای چین جنوبی) و دامن زدن به اختلافات منطقه‌ای (توکيو - پکن و دهلی‌نو - پکن) و بهره‌برداری سیاسی - امنیتی از آن اشاره کرد.

شاخص‌های راهنمای این سناریو عبارت‌اند از:

#### ۳-۱. پیش‌نشانگرهای سناریو

- افزایش میزان و سطح رقابت جمهوری خلق چین و ایالات متحده در راستای تصاحب منابع و بازارهای انرژی (تضمین امنیت انرژی)؛
- استفاده ابزاری واشنگتن از گزاره انرژی در جهت کنترل قدرت روبه‌تزايد چین؛
- تبدیل حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک به آوردگاهی برای تقابل و درگیری‌های انرژی چین و ایالات متحده؛
- تلاش در جهت جریان‌یابی انرژی به سمت چین از طریق ایجاد جو نظامی

در منطقه‌ی ایندوپاسیفیک از سوی واشنگتن؛

- توجه و تمرکز ویژه‌ی ایالات متحده به مناطق چالش‌زای چین؛
- استفاده‌ی حداکثری واشنگتن از ظرفیت متحدان متعهد در جهت تحدید امنیت انرژی پکن.

#### ۴-۳-۲. خطوط اصلی سناریو

- از مهم‌ترین و حساس‌ترین موضوعات مؤثر در روابط چین و ایالات متحده قضایای تایوان، جدایی‌طلبان سین‌کیانگ و مباحث مرتبط با دریای چین جنوبی هستند.
- منابع انرژی و مباحث مرتبط با آن به نقطه‌ی ثقل کنش‌های ایالات متحده و چین در حوزه‌ی ایندوپاسیفیک تبدیل خواهند شد.
- ایالات متحده خواهد کوشید تا از طریق قطع شاهراه‌های ارتباطی چین (تنگه‌ی تایوان و تنگه‌ی مالاکا)، راه‌های تأمین انرژی پکن را با مشکل مواجه کند.
- واشنگتن کشورهای حاضر در حوزه‌ی خلیج فارس را از کمک‌رسانی به چین در زمینه‌ی انرژی بر حذر خواهد داشت.
- در راستای مقابله با سیاست‌های ایالات متحده، چین خواهد کوشید تا از ظرفیت کشورهای دارای منابع انرژی همچون فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران بیش‌ازپیش بهره‌برداری نماید.

#### ۴-۳-۳. توصیه‌های راهبردی برای تأمین و تضمین منافع جمهوری اسلامی ایران

- استفاده‌ی حداکثری از شرایط موجود برای افزایش صادرات انرژی کشور به چین؛
- انعقاد قراردادهای بلندمدتی که منافع دو طرف (چینی و ایرانی) را به‌طور مساوی در نظر گرفته باشد؛
- استفاده از کارت چین در مجامع بین‌المللی و به‌طور خاص شورای امنیت سازمان ملل متحده در مقابل عرضه‌ی انرژی به چین؛
- کوشش برای همراه ساختن چین با خود در جبهه‌ی مخالفان ایالات متحده؛

- فراهم‌سازی شرایط برای انتقال فناوری چینی در حوزه اکتشاف و استحصال نفت؛
- استفاده از عامل انرژی برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود برای چین؛
- تدوین و تنظیم مدل دوماحوری حضور شرکت‌های خصوصی چین و ایران در سطح منطقه (تأمین مالی از جانب پکن و تأمین امنیت آنان از سوی تهران با همکاری دولت‌های مرکزی)؛
- در اختیارگیری مدیریت و انحصار امنیت دریانوردی خلیج فارس و دریای چین جنوبی توسط چین و تهران؛
- مشارکت چین در امنیت دریانوردی خلیج فارس (به رهبری ایران)؛
- مشارکت ایران در تأمین امنیت دریانوردی در دریای چین جنوبی (به رهبری چین)؛
- مشروعیت‌زدایی از حضور فرمانطقه‌ای ایالات متحده در حوزه دریایی دو کشور؛
- برگزاری مانورهای مشترک دریایی در خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای چین جنوبی؛
- ازسرگیری مجدد مذاکرات با «سینوپک» در راستای توسعه میدان نفتی یادآوران؛
- احیای قرارداد توسعه میدان آزادگان و شرکت ملی نفت چین.

#### ۴-۴. اژدهای همراه<sup>(۱۱)</sup>

در قالب این سناریو، نخبگان چینی با تاسی از تعریف جدیدی که از نقش و جایگاه خود در عرصه جهانی در نظر گرفته‌اند، در راستای دستیابی به توسعه اقتصادی، با تعریفی برون‌گرایانه، سیاست خارجی توسعه‌گرایانه‌ای را در قالب دیپلماسی اقتصادی تدوین و طراحی کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، با توجه به فضای جدید حاکم بر سیاست بین‌الملل و تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن و همچنین نیاز مبرم در جهت کسب ثروت و فناوری کشورهای غربی، نخبگان چینی رسیده‌اند به اینکه در چنین فضایی ارتقای منافع اقتصادی و دستیابی به توسعه همه‌جانبه به صورت خودمحور و

بدون توجه به قواعد بین‌الملل، هزینه زیادی را به این کشور تحمیل خواهد کرد؛ از این رو ضروری می‌نماید که چین از یک‌جانبه‌گرایی اقتصادی پرهیز نماید. البته علاوه بر پیگیری مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی در قالب قواعد بازی لیبرال، چینی‌ها با جامع‌نگری راهبردی خاص خود، راهبرد دیپلماسی هوشمند را نیز به صورت موازی برای ارتقای قدرت روبه‌تزايد خود در پیش گرفته‌اند.

شاخص‌های راهنمای این سناریو به قرار ذیل است:

#### ۴-۱. پیش‌نشانگرهای سناریو

- تبعیت چین از سیاست یکی به نعل و یکی به میخ در قبال جمهوری اسلامی ایران؛
- تأثیرپذیری روابط جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران از نوع و سطح مراودات سیاسی - اقتصادی پکن و کشورهای غربی؛
- شکل‌گیری نگرش چین نسبت به ایران بر اساس محاسبات اقتصادی و ایجاد توازن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک غیرچالشی در برابر ایالات متحده؛
- استنفاف چین از همراهی حداکثری اقتصادی با ایران؛
- همکاری حداکثری پکن با سیاست‌های اعلامی، اعلانی و اعمالی واشنگتن علیه ایران باهدف کسب رضایت ایالات متحده و نشان دادن خود به‌عنوان قدرت سهام‌دار مسئول؛
- عدم تمایل جمهوری خلق چین به سیاسی کردن ارز ملی خود در مراودات اقتصادی با ایران؛
- گرایش چین به سمت قدرت‌های غربی و دوری از برقراری و درهم‌تنیدگی روابط راهبردی با ایران.

#### ۴-۲. خطوط اصلی سناریو

- چین درصدد رویارویی مستقیم و همه‌جانبه با ایالات متحده برنمی‌آید و بر اساس راه‌سومی که تاکنون برای آمریکا سابقه نداشته است در کنار او خواهد ایستاد و بر اساس سنت‌های لیبرال به کنشگری خواهد پرداخت.



- تمایل چین بر این اساس ترتیب‌بندی خواهد شد که خود را به‌عنوان سهام‌داری مسئول در نظام بین‌الملل به همه بشناساند تا حساسیت‌های جهانی را نسبت به خیزش خویش تقلیل دهد.
- وابستگی متقابل اقتصادی چین و ایالات متحده موجب خواهد شد تا هر دو کشور از تصمیمات رادیکالی که منافعشان را با خطر مواجه نماید خودداری کنند.
- با علم به درهم‌تنیدگی اقتصادی واشنگتن و کشورهای اروپایی، راهبرد کلان چین در قبال ایالات متحده به‌عنوان متحد اروپا، مبتنی بر موازنه نرم و پرهیز از تقابل مستقیم خواهد بود.
- با توجه به همگرایی میان واشنگتن و پکن، متحدان ایالات متحده نه‌تنها منافع کلان خود را در جهت حفظ و بسط روابط با چین تعریف می‌کنند، بلکه از تقابل با چین پرهیز خواهند کرد.
- همراهی اقتصادی چین با ایالات متحده این فرصت را در اختیار پکن قرار خواهد داد که بدون ایستادن مقابل واشنگتن و متحمل شدن هزینه‌های سنگین ناشی از رویارویی با آن، منافع کلان خود را دنبال کند.

#### ۴-۳. توصیه‌های راهبردی برای تأمین و تضمین منافع جمهوری اسلامی ایران

- قرار دادن خود در مدار چین با هدف هزینه‌مند کردن اقدام احتمالی پکن برای کنار گذاشتن تهران؛
- ارتباط‌گیری و بسط روابط راهبردی با رقبای بالقوه و بالفعل چین (هندوستان)؛
- ایجاد شبکه‌ای از پیوندهای راهبردی با هم‌پیمانان منطقه‌ای چین و مشخصاً پاکستان در بندر گوادر؛
- ارتقای نقش و جایگاه منطقه‌ای خود؛
- پویاسازی اقتصادی و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های داخلی به‌منظور کاهش ضعف‌های راهبردی و کاهش نیاز به چین؛
- متنوع‌سازی شرکای راهبردی (فدراسیون روسیه)؛
- ایجاد بلوک منطقه‌ای اقتصادی با همراهی کشورهای سوریه، عراق و لبنان برای گسترش دامنه کنشگری مثبت در منطقه غرب آسیا.

## پی‌نوشت‌ها

۱. روش مزبور موقعیتی را برای پژوهشگران مهیا کرده است که بر اساس آن می‌توانند متدولوژی‌ها، طرح‌ها، مدل‌ها و روش‌های به کار گرفته‌شده در یک مطالعه پژوهشی واحد را در کنار هم قرار دهند که به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا یافته‌های به‌دست‌آمده از روش‌های متفاوت پژوهشی را در قالبی علمی و منسجم با یکدیگر تلفیق نمایند و متعاقباً نسبت به شناخت مشکلات و راه‌حل مسائل درک بهتری پیدا کنند (مبینی دهکردی، ۱۳۹۰، ص. ۳).
۲. جامعه آماری تحقیق شامل پژوهشگرانی است که در حوزه مطالعات چین، آمریکا و ایندوپاسیفیک فعالیت علمی و پژوهشی دارند. علاوه بر این، صاحب‌نظران و کارشناسان شاغل و بازنشسته در وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت دفاع و دیگر نهادها و مراکز دولتی که در روند فعالیت‌های خود به‌نوعی از موضوع مورد مذاقه آگاهی دارند و دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری هستند، در انجام پژوهش بهره‌گیری شده است.
۳. ابتکار کمربند اقتصادی جاده ابریشم جدید یا همان کمربند - راه (Belt - Road Initiative) در سال ۲۰۱۳ توسط «شی جین‌پینگ» رئیس جمهوری خلق چین پیشنهاد شد و اکنون به‌عنوان نماد سیاست خارجی وی شناخته می‌شود. این طرح ۶۵ تا ۷۰ کشور را درگیر خود کرده و هدف آن اتصال دو سوی توسعه‌یافته اوراسیا (چین از یک‌طرف و اروپا از طرف دیگر) و کمک به توسعه سریع‌تر کشورهای مابین این دو سوی اعلام‌شده است. دولت جمهوری خلق چین از این طرح با عنوان مدل جدید از همکاری بین‌المللی و حکمرانی جهانی بر پایه منشور ملل متحد و اصول همزیستی مسالمت‌آمیز یاد می‌کند (خداقلی‌پور، ۱۳۹۶، ص. ۲۶).
۴. ایده این بانک (Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB متعلق به جمهوری خلق چین است. تفاهم‌نامه تأسیس بانک مزبور در سال ۲۰۱۴ در پکن به امضا رسیده است. این بانک با هدف ترویج توسعه اقتصادی پایدار، ایجاد ثروت و بهبود روابط زیرساختی در آسیا رسماً از تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ با سرمایه ۱۰۰ میلیارد دلاری آغاز به کار کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز با در اختیار داشتن

- ۱/۶۳ سهام و ۲/۲۳ درصد حق رأی از شهریور ۱۳۹۵ به عضویت این بانک درآمده است.
۵. این پنل معمولاً در طرح‌های آینده‌نگاری بین ۱۲ تا ۲۰ عضو دارد که بسته به موضوع مورد مذاقه می‌تواند کمتر یا بیشتر از این تعداد نیز باشد. تشخیص خبرگی افراد برای شرکت در پنل مسئله مهمی است که به مواردی مانند تجربه، سواد، میزان تأثیرگذاری بر طرح و... بستگی دارد.
۶. در خلال آزمون مذکور پایداری هر سناریو باید از راه طرح پرسش‌هایی از این دست آزموده شود: اگر این سناریو واقعیت یابد چه خواهیم کرد؟ آیا تصمیم‌گیری موردنظر، تنها بر پایه یک یا دو سناریو، صحیح است؟ چه ضعف‌هایی آشکار شده‌اند؟ آیا سناریو ویژه، مستلزم راهبردی با مخاطره زیاد است؟
۷. روش کوئست یا پویش محیطی سریع به گونه‌ای طراحی شده است که تغییرات و دلالت‌های دیده‌بانی برای تدوین راهبردها و سیاست‌ها کنار هم قرار می‌گیرند.
۸. «Blue Jasmine»؛ این سناریو به معنای آن است که چین ضمن برخورداری از یک اقتصاد پویا، مدون و موفق، قادر است فارغ از بحران‌های منطقه‌ای و جهانی، شرایط لازم را برای توسعه اقتصاد سیاسی خود از طریق تضمین امنیت انرژی فراهم آورد.
۹. چین به‌عنوان اژدهای زرد آسیایی با توجه به نهادهای مالی و بانکی و همچنین رشد اقتصادی که در پرتو راهبردهای نوین خویش (چرخه دوگانه) تجربه می‌کند، قادر است سلسله‌مراتب قدرت‌های جهانی را دستخوش تغییرات قابل توجهی نماید و ایالات متحده (عقاب) را از تک قطب برتر به یکی از قطب‌های جهانی تبدیل کند.
۱۰. «Dragons in the Dungeons»؛ این سناریو به معنای ناتوانی پکن در تضمین امنیت انرژی خود است. به بیانی بهتر، با توجه به راهبردهایی که واشنگتن در راستای تحدید حوزه کنشگری پکن طراحی کرده است، جمهوری خلق چین در راستای تضمین امنیت انرژی خود با چالش‌های ژرفی مواجه است. نتیجه عینی چنین شرایطی تضعیف شدید اقتصاد ملی چین خواهد بود.
۱۱. این سناریو به معنای پذیرش نظم نهادینه معرفی شده از سوی ایالات متحده توسط جمهوری خلق چین است.

## منابع

- ارغوانی پیر سلامی، فریبرز و اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۳). نظام بین‌المللی در حال گذار و روابط دوجانبه آمریکا و چین (۲۰۱۰-۱۹۹۱)، مجله سیاست دفاعی، ۲۲ (۸۱).
- امینی، سید جواد. نوروزی، محسن. سلیمی، حسین. مبینی، محمد (۱۳۹۹). کاربست روش‌های آینده‌پژوهی در مطالعات امنیتی با تأکید بر تکنیک سناریونویسی GBN، فصلنامه امنیت ملی، ۱۰ (۳۵).
- باقری دولت‌آبادی، علی و درج، حمید (۱۳۹۷). «سیاست دونالد ترامپ و مسئله هسته‌ای کره شمالی»، فصلنامه سیاست جهانی، ۷ (۲).
- بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده‌پژوهی، ترجمه مصطفی تقوی، محسن محقق، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری.
- چرماک، توماس جی (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، ترجمه سعید خزایی و مریم وکیل زاده، اصفهان: انتشارات شاخص پژوه.
- حیات مقدم، امیر. فرجی راد، عبدالرضا. سرور، رحیم (۱۳۹۸). راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی برای مقابله با حمایت کشورها از عراق و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در تهدیدات آینده، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی ۹ (۳۴).
- خداقلی پور، علیرضا (۱۳۹۶). ابتکار کمربند - راه چین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۱ (۱).
- خزایی، سعید و حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۹۴). جستارهایی در باب آینده‌پژوهی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- خضری، رؤیا (۱۳۹۰). استراتژی آمریکا و چین در منطقه آسیا - پاسیفیک: همکاری و تعارض، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵ (۳).
- دری نوگورانی، حسین. عباس‌زاده، حسن. نقی‌زاده، یحیی (۱۳۹۸). طراحی راهبردهای دفاع اقتصادی (برگرفته از رهنمودها و اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری)، فصلنامه مطالعات دفاعی/استراتژیک، ۱۷ (۷۶).
- دهشیری، محمدرضا و زهرا، بهرامی (۱۳۹۴). نگاه استراتژیک چین به بریکس، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱ (۱۹).

رفیع، حسین و بختیاری جامی، محسن (۱۳۹۲). استراتژی آمریکا در تقابل بانفوذ اقتصادی و سیاسی - امنیتی چین در آسیای مرکزی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳.

رکابیان، رشید و عله‌پور، مهرداد (۱۳۹۹). آوردگاه ایندوپاسیفیک و رویارویی پکن و واشنگتن در عصر پساچنگ سرد (۲۰۱۹ - ۲۰۱۰)، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۸ (۲).

سلیمان پور، هادی (۱۳۹۳). آمریکا و چین و چشم‌انداز نظام بین‌الملل، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۹ (۳).

شفیعی، نوذر (۱۳۹۹). تجزیه و تحلیل نقش اروپا در بازی بزرگ ایندوپاسیفیک، فصلنامه روابط خارجی، ۱۲ (۳).

طباطبایی، سید علی (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی رویکرد راهبردی چین، روسیه، آمریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان همکاری شانگهای، فصلنامه راهبرد، ۲۰ (۶).

عراقچی، عباس و سبحانی، مهدی (۱۳۹۱). تقابل سرد در آسیا؛ پیامد رویکرد نظامی جدید آمریکا در آسیا - پاسیفیک، فصلنامه روابط خارجی، ۴ (۴).

فولز، جیب و همکاران (۱۳۹۱). دریچه‌ای به مطالعات آینده، درس‌نامه آینده‌پژوهی، خلاصه‌شده توسط مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

کریمی، رضا (۱۳۹۹). مدیریت چالش‌های امنیتی در جنوب غرب آسیا (مطالعه موردی افراط‌گرایی مذهبی)، فصلنامه امنیت ملی، ۱۰ (۳۵).

Andrew, Scobell (2020). "Constructing a US - China Rivalry in the Indo Pacific & Beyond", Journal of Contemporary China, Vol. 30, pp. 69 - 84.

Brzezinski, Zbigniew & Mearsheimer, John J. (2005). "Clash of the Titans", Foreign Policy, Jan/Feb, Issue 146.

Buzan, Barry (2014). "Brilliant but Now Wrong: A Sociological & Historical Sociological Assessment of Gilpin's War & Change in World Politics", Cambridge University Press. By -economist-Adam-smith-more-than-200-years-ago.

Chase, Michael S et al (2015). "China's Incomplete Military Transformation: Assessing the Weaknesses of the People's Liberation Army (PLA)". Rand Corporation.

Golshan, Tara. (2018). "Trump is calling backsides on exiting the Trans-Pacific Partnership trade deal", Vox Sentences, 12 April 2018, available at: <https://www.vox.com/policy-and-politics/2018/4/12/17230058/trump->

trans- pacific-partnership-trade-deal-renegotiate

- Kai, He & Mingjiang, Li (2020). "Understanding the dynamics of the Indo Pacific: US – China Strategic Competition, Regional actors & beyond", *International Affairs*, Vol. 96, No. 1, pp. 1 – 7.
- Kuosa, T., (2011), "Practicing strategic foresight in government: the cases of Finland, Singapore and the European Union, S. Rajaratnam School of International Studies", first edition, Singapore, 116 p.
- Mc Adams, D (2016). "The Mind of Donald Trump", *the Atlantic Journal*.
- Mearsheimer, John.J & Stephen M. Walt. (2016). "The Case for Offshore Balancing: A Superior U.S Grand Strategy", *Foreign Affairs*, July/August 2016 Issue, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/unitedstates/2016.../case-offshore-balancing>
- National Security Strategy Of The United States Of America, 2017: 12, 18, 35.
- Sahu, Arun K (2014), "Two to Tango: The U.S. & China in the Asia – Pacific", *Strategic Analysis*, Vol. 38, No. 4.
- Summary Of The 2018 National Defense Strategy, 2018: 3, 4.
- Titli, Basu (2020). "Sino – US Disorder: Power & Policy in Post – COVID Indo Pacific", *Journal of Asian Economic Integration*, Vol. 2, No. 2, pp. 159 – 179.
- Weixing, Hu & Weizhan, Meng (2020). "The Us Indo Pacific Strategy & China's Response", *the China Review*, Vol. 20, No. 3, pp. 143 – 176.
- Weixing, Hu (2020). "The United States, China & the Indo Pacific Strategy", *the China Review*, Vol. 20, No. 3, pp. 127 – 14.